روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir
شنبه • ۱۳ تیر ۱۳۹۴ • ۱۷ رمضان ۱۴۳۶ • ۴ جولای ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۴۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح‌فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۴
روزنامه فردا
fardashargh@gmail.com

آچارکشی

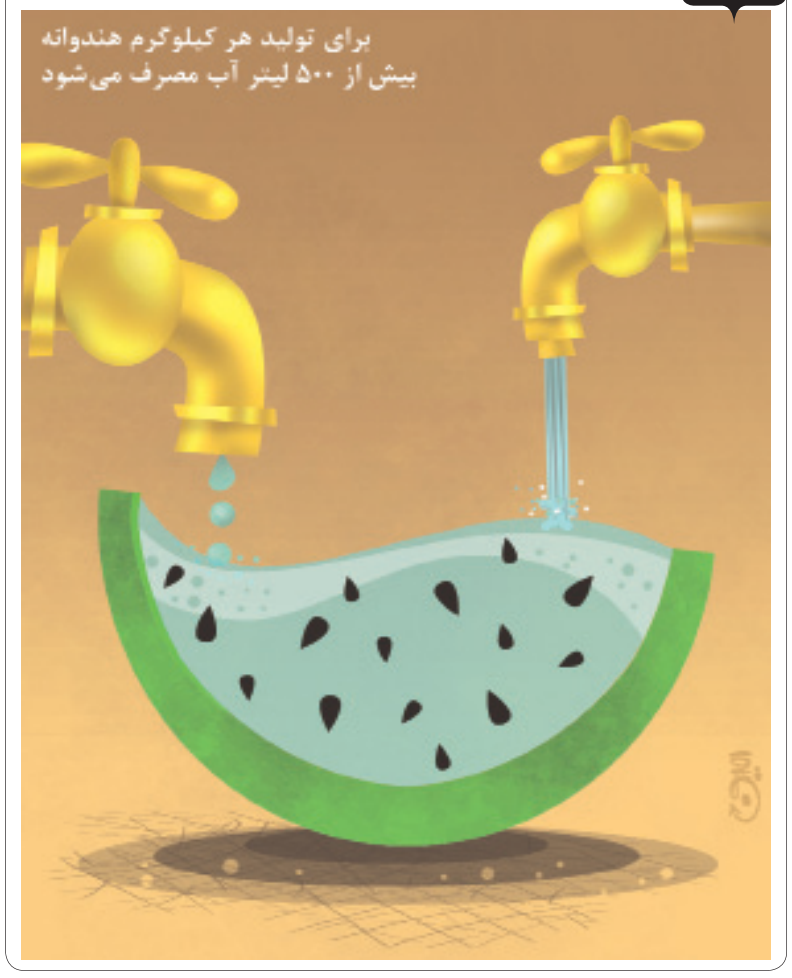
نگویید مدرسه کپری بگویید عم‌قزی

● **پوریا عالمی:** معاون عمرانی وزیر آموزش‌وپرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور به خبرگزاری فارس گفت: «به‌هیچ‌عنوان مدرسه کپری در کشور نداریم». وی سپس گفت: «آنهایی که اعلام می‌شود، کلاس درس کپری است». به این فن پاسخ در خیلی قدیم می‌گفتند سفسطه، قدیم می‌گفتند پیچاندن، دانشمندان می‌گویند پیوند کوالانسی، ما که می‌گوییم شما اسمش را بگذار عم‌قزی فرقی نمی‌کند. مثل این می‌ماند که دکتر به بیمار بگوید شما به‌هیچ‌عنوان سرطان روده نداری. آن چیزی که اعلام می‌شود سرطان خون است. یا بگویند ما به‌هیچ‌عنوان زیر خط فقر مطلق نداریم. آنهایی که اعلام می‌شود زیر خط مطلق فقر است. یا شوهر به همسر بگوید من به‌هیچ‌عنوان به تو خیانت نکردم و آنهایی که در فیس‌بوک اعلام می‌شود در حد تیک است. معاون عمرانی وزیر آموزش‌وپرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور در ادامه گفت: «وجود کلاس‌های کپری در کشور زاییده مشکلات اجتماعی، قومی، قبیله‌ای و خشک‌سالی است».این‌طور که مشخص است، کلاس کپری هم زاییده ما مردم است. تا اینجا ما فکر می‌کردیم گاومان فقط دوقلو می‌زاید. امروز مشخص شد که خودمان هم کپرزاییم و دولت و مسئولان نقشی ندارند و نهایتا به‌عنوان قابله در مراسم شرکت می‌کنند. معاون گفت: «تصاویری داریم که بیشتر از ۱۰ کلاس پیش‌ساخته خالی داریم و جمعیت از آنجا کوچ کرده است».جمعیت اعلام کردند یعنی خوشی زد زیر دلمان کوچ کردیم؟ یا فقط یک کانکس گذاشته بودید به‌عنوان مدرسه و می‌گفتید کپر زاییده خودتان است و باید خودتان بزرگش کنید؟ معاون عمرانی وزیر آموزش‌وپرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور گفت: «در استان سیستان‌وبلوچستان تصاویری از کلاس‌هایی داریم که از اموال بیت‌المال ساخته شده است و اکنون به علت کوچ جمعیت خالی مانده است».بله، واقعا مسئله اینجاست که وقتی بیت‌المال را می‌شود تبدیل به تسهیلات کرد و چند نفر دانه‌درشت شوند و بعد از هشت‌سال تازه پرونده‌شان رو بشود، اصلا چه کاری است که با بیت‌المال چهارتا دانه کانکس خرید گذاشت وسط بیابان بعد هم منتش را گذاشت سر مردم؟ چهارتا کانکس بوده دیگه. آن تریلی‌های پول که از کشور خارج شد و برنگشت اوکی بود و بیت‌المال حرام نشد؟

کارتون خواب



امین منتظری



پشت جلد

منزلت رسانه، منزلت کشور



کریم ارغنده‌پور

از «سلام» به‌عنوان پدر معنوی روزنامه‌های اصلاح‌طلب نام برده می‌شود. سؤال این است که خصوصیت اصلی سلام چه بود که به آن جایگاه مهمی بخشید؟ برای پاسخ به این سؤال باید شرایطی که سلام در آن متولد شد، مجددا یادآوری شود. اولین پیش‌شماره سلام در سال ۶۹ منتشر شد. در آن زمان تنها پنج روزنامه منتشر می‌شد، سه‌تا دولتی بودند، روزنامه رسالت متعلق به جناح روحانیت بود و روزنامه ابرار هم بیشتر مشی ورزشی- سینمایی داشت. سلام که آمد، اولا پرچم‌دار گفتمان سیاسی منتقد شد و ثانیا تلاش کرد استقلال رسانه‌ای را جا بیندازد. راز اصلی ماندگاری سلام به نظر من در همین دو اصل نهفته است؛ یعنی نقد قدرت در حین حفظ استقلال. اگر عمیق‌تر نگاه کنیم، اساس کار رسانه‌ای هم علاوه بر عملکرد حرفه‌ای، بر همین دو اصل مبتنی است. در همین زمینه باید گفت رسانه‌ای که مستقل نباشد نمی‌تواند عملکرد رسانه‌ای کاملی داشته باشد، دوم اینکه رسانه بدون اصل پرسشگری اصلا رسانه نیست. پرسش‌گری هم نیازمند دید منتقدانه و دقیق است. به‌همین‌خاطر یک رسانه حرفه‌ای مستقل، بی‌طرف است و چشمش برای یافتن ناراستی‌ها باز و حساس. سلام یک رسانه سیاسی بود. این قابل انکار نیست ولی جهت‌گیری سیاسی‌اش تا درصد قابل‌قبولی مانع از بروز عملکرد رسانه‌ای نبود. به‌همین‌دلیل پس از دوم خرداد با اینکه سلام حامی دولت بود ولی از آن انتقاد هم می‌کرد یا اجازه می‌داد نقدهای مخالفان هم در رسانه‌اش منتشر شود تا تضارب‌آرا شکل بگیرد و خواننده بهتر به قضاوت برسد. این حالت در عملکرد رسانه، شاخص مهم و تعیین‌کننده‌ای است. کشور ما برای پیشرفت نیاز به رسانه‌هایی مشابه سلام دارد. سلام اگر بود، رسانه و روزنامه‌نگار منزلت بیشتری داشتند، منزلت رسانه، منزلت کشور است. منزلت کشور؛ یعنی منزلت همه ما شهروندان. سلام نه‌تنها موجب کاهش پیوستگی‌های درونی در قدرت نبود بلکه در درازمدت به آن قوام بیشتری می‌داد کمااینکه دوم خرداد یک جهش به‌سوی آینده بهتر برای همه - جامعه و دولت توأمان- بود.

اتفاق

هنرمندان پیشنهاد دادند:

تشکیل کمپین بین‌المللی پرواز ۶۵۵



● **شرق:** به همت هنرمندان سینما و ادبیات، مراسمی در فرودگاه بین‌المللی بندرعباس برای یادبود شهدای فاجعه ایرباس برگزار شد که در آن جمعی از خانواده‌های شهدا نیز حضور داشتند. رخشان بنی‌اعتماد، مهتاب کرامتی، احمدرضا درویش، پرویز شیخ‌طادی، گلعلی بابایی و حبیب احمدزاده از کسانی‌بودند که در سالگرد فاجعه ملی انهدام هواپیمای پرواز ۶۵۵ بر فراز آب‌های خلیج‌فارس در ۱۲ تیر سال ۱۳۶۷ به‌وسیله ناو آمریکایی وینسنس به بندرعباس رفته بودند. آنان دلیل شرکت در این برنامه را صیانت از غرور ملی و حفظ کرامت شهدا و جان‌باختگان این واقعه دردناک اعلام کردند. این هنرمندان پیشنهاد کردند برای جلوگیری از تکرار این‌گونه حوادث دردناک، کمپینی بین‌المللی با موضوعیت پرواز ۶۵۵ توسط هنرمندان و اصحاب خرد و مردم ایجاد شود و با جمع‌آوری امضا به شناسایی این مهم در سطح افکار عمومی جهان بپردازد.این برنامه که به مدت یک‌ساعت‌ونیم از شبکه استانی و همچنین شبکه سوم سیما به‌صورت زنده از فرودگاه بین‌المللی بندرعباس پخش می‌شد، حاوی کلیپ‌هایی جذاب از سفر قبلی هنرمندان در بیستمین سالگرد این ماجرا بود.

روایت

هوشنگ ماهرویان برای مقابله با فساد پیشنهاد داد

ورود وجدان جمعی

سعید برآبادی: انتشار اخبار دستگیری برخی از دولتمردان دولت دهم، این‌روزها ذهن مردم را به خود جلب کرده است. از سوی دیگر خبر آمده که از ابتدای سال، ۲۵ هزار تذکر درباره فساد به اداره‌ها داده شده است. به سراغ هوشنگ ماهرویان، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، رفته‌ایم تا از منظری دیگر به ماجرا نگاه کنیم.

آیا می‌توان درباره فساد اقتصادی در جامعه یک تاریخ آغازین در نظر گرفت؟

سابقه تاریخی فساد اقتصادی در هر جامعه‌ای، ارتباط مستقیمی با نوع نگاه آن جامعه به قدرت و دولت دارد. نظام‌های سیاسی در تمام دنیا به‌نوعی سعی در برنامه‌ریزی این نگاه داشته‌اند و برخی کشورها و نظام‌ها نیز سعی کرده‌اند، با تمهیداتی، زمینه عدم بروز فساد در جامعه را فراهم کنند. دراین‌میان در نظام لیبرال‌دموکراسی که همواره سعی در محدودکردن قدرت داشته، فعالیت مستقل نهادی چون قوه قضائیه و نظارت قوه‌ای چون قوه مقننه اگر درست اتفاق می‌افتاده، باعث کاهش بروز فساد بوده است. آنچه که امروز به‌عنوان فساد دولت قبل، با اخباری که ارقام بالایی دارند منتشر می‌شود، نشان از این دارد که روابط میان قوا هنوز نیاز به بررسی بیشتر دارد. تاریخ نشان می‌دهد در این سال‌ها از ۵۰ هزار روستایی که در کشور داشته‌ایم، ۳۲ هزار روستا خالی از سکنه شده‌اند، همین اتفاق به‌روشنی نشان می‌دهد که زمینه فساد، زمین‌خواری، تبدیل‌کردن زمین‌های کشاورزی به ویلا و آپارتمان تا چه حد با تاریخ ما در ارتباط است.

به نهاد ناظر اشاره کردید، این نهادها چطور می‌توانند رودرروی فساد بایستند؟

وقتی که پای رشوه‌دادن معاون رئیس‌جمهور به کاندیداهای مجلس در میان باشد، وقتی که قوه مقننه نتواند فعالیت‌های نادرست قوه مجریه را نظارت کرده و با آن برخورد کند، وقتی که جای خالی نهادهای مدنی احساس می‌شود، شاهد قَدَرقدرت‌شدن قوه مجریه و به تبع آن شنیدن اخباری دردناک از فسادهای اقتصادی پیشین هستیم. همبسته‌بودن سابقه تاریخ فساد اقتصادی در ایران و کم‌کاری یا عدم توانایی انجام کار از سوی نهادهایی چون مطبوعات، کانون وکلا، ناظران، دیده‌بان‌ها و حتی شوراهای کوچک و بزرگ عملا باعث شده که امروز، پس از عبور از دولت دهم، اخبار اتفاقات پنهان آن دولت برملا شود و مردم در جریان بخشی از این فساد پنهان قرار گیرند.

پیامدهای اجتماعی فساد اقتصادی را مردم چطور و از چه زاویه‌ای درک و لمس می‌کنند؟

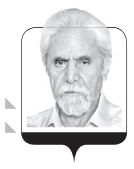
باندهای دولتی تشکیل‌شده و سرمایه‌گذارانی که با ارتباطات و رانت‌های خود، نه‌فقط باطن شهرهای ایران بلکه ظاهر آنها را هم تغییر داده‌اند، در غیاب نهادهای نظارتی، حتی از عرصه زندگی آدم‌ها هم راهی برای درآمدزایی هنگفت پیدا کرده‌اند و همین است که هرروز شاهد مرگ روستایی و تولد شهرکی آهنی هستیم که نامش هیچ‌چیزی نیست جز تخریب.

آیا می‌توان امیدوار بود که فساد به شکل یک بیماری مسری در جامعه تسری پیدا نکرده باشد؟

چندی پیش از توچال به «شکرآب»، رفته بودم، با مردم آنجا که حرف می‌زدم، از آنها می‌خواستم زمین‌هایشان را به تهرانی‌ها نفروشند چون بافت طبیعی و بکر این منطقه با هجوم ویلاسازی‌ها کاملا در حال نابودی است، مردم آنجا می‌گفتند که چطور این کار را نکنیم، وقتی که قیمت یک متر زمین در زرگنده، ۲۰ میلیون تومان و در اینجا، ۴۰ هزار تومان است؟ واقعیت این است که راه برون‌رفت از سرایت متقابل فساد میان مردم و برخی از مسئولان، ورود وجدان جمعی به این موضوع است؛ تا زمانی که هرکدام از ما در درون خود به «بدبودن» چنین مسائلی آگاه نشویم و از آن پرهیز نکنیم، زمینه بروز فساد در جامعه هست.

نظر

سیستم تک‌حزبی کارایی ندارد



غلامعباس توسلی
جامعه‌شناس

● سؤال این است که یک سیستم حزبی چرا به وجود می‌آید و حزب چیست؟ واقعیت این است که سیستم حزبی با یک حزب کار نمی‌کند. اگر احزاب هیچ اختلافی با هم نداشته باشند، باید تنها یک حزب وجود داشته باشد چون حزب در صورتی که بین افراد اختلاف عقیده وجود داشته باشد، شکل می‌گیرد و برای وجود یک سیستم حزبی وجود تنها یک حزب کافی نیست.

سیستم حزبی باید حداقل از دو حزب تشکیل شده باشد تا هرکدام که در قدرت است دیگری بتواند بر کار او نظارت و در صورت لزوم از او انتقاد کند. درواقع سیستم تک‌حزبی هیچ کارایی‌ای ندارد.

اما این حرف که احزاب می‌توانند با هم همگرایی داشته باشند در حدی که در بعضی مسائل به توافق برسند، شدنی و خوب است ولی اینکه احزاب بتوانند در تمام مسائل توافق داشته باشند، امکان‌پذیر نیست.

البته همگرایی هم برای همیشه امکان‌پذیر نیست بلکه روی مسئله‌ای خاص؛ برای مثال موضوع مذاکرات هسته‌ای که پیشبرد آن نیاز به قدرتی مضاعف دارد برای اینکه به نتیجه برسد، امکان‌پذیر است. البته بر سر همین موضوع هم در طول زمان در میان احزاب قشربندی‌هایی صورت می‌گیرد و گروه‌ها از هم جدا می‌شوند، اما به‌طورکلی می‌توان گفت احزاب از نظر جامعه‌شناسی سیاسی می‌توانند بر سر موضوعاتی که زمان و مکان داشته باشند، با هم توافق داشته باشند.

همین حوالی

نهادهای مدنی و مسئولیت اعضا

محمود برآبادی . نویسنده کتاب‌های کودکان

نهادهای مدنی، تشکل‌هایی هستند که افراد جامعه در آنها جمع می‌شوند و خواسته‌های خود را در هم‌صدایی دیگر اعضا بیان می‌کنند و حقوق اجتماعی خود را خواستار می‌شوند، چراکه افراد جامعه در برابر دولت‌ها بسیار کوچکند و به‌تنهایی نمی‌توانند نظر و عقیده خود را به گوش دولت‌ها برسانند اما وقتی تعدادی افراد هم‌رأی و همراه شدند، آن‌وقت هم دیده می‌شوند و هم صدایشان شنیده می‌شود، بنابراین در ضرورت آنها تردیدی نیست. فعالیت در نهادهای مدنی - جز در مواردی خاص- داوطلبانه است . درست به‌همین‌دلیل برخی آن را با کار دل‌بخواه اشتباه می‌گیرند. مسئولیتی را می‌پذیرند و پس از مدتی آن را رها می‌کنند و اگر از آنها سؤال شود که چرا ول کردی و رفتی؟ خواهند گفت: مگر به من چیزی پرداخت می‌کنید که طلبکارید. این یکی از ضعف‌های نهادهای مدنی در ایران است و همه انجمن‌ها و نهادهای مدنی کم‌وبیش با این مشکل درگیرند. هم درکمیته‌ها و کارگروه‌ها و هم در هیأت‌مدیره آنها، افراد بی‌مسئولیت وجود دارد. در نتیجه بی‌نظمی بیداد می‌کند، جلسات در ساعت مقرر تشکیل نمی‌شود و گاه به‌خاطر غیبت کسانی که از قبل اطلاع نداده‌اند، به حدنصاب نمی‌رسد و نمی‌توانند تصمیم بگیرند و کارشان پیش نمی‌رود وگرنه با این همه تشکل مردم‌نهاد و نهادهای مدنی باید وضع بهتری داشتیم. تأثیری که چنین رفتاری بر دیگر اعضا می‌گذارد، بسیار زیاد است؛ کمترین اثر منفی آن، این است که افراد مسئولیت‌پذیر را نسبت به انضباط سازمانی دلسرد می‌کند و این‌گونه است که نهادهای مدنی در ایران با وجود رشد کمی، از لحاظ کیفی در موقعیت مناسبی نیستند، بسیارشان نیمه‌تعطیل‌اند، اختلاف و درگیری دارند، اعضایشان حق عضویت نمی‌پردازند و درنتیجه تشکل‌های مدنی به‌زحمت می‌توانند روی پای خود بایستند. علت، این است که ما مسئولیت مدنی را درک نمی‌کنیم، انضباط سازمانی نداریم و نسبت به تعهداتی که در هنگام پذیرش مسئولیت برعهده می‌گیریم، احساس تکلیف نمی‌کنیم و نفع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح می‌دهیم. بااین‌همه نباید ناامید بود. این راهی است که باید طی شود. برای فعالیت مدنی تنها علاقه کافی نیست، باید احساس مسئولیت کرد، باید وقت گذاشت و مجدانه برای انجام تمام و کمال وظایفی که برعهده می‌گیریم، بکوشیم.

پیشنهاد فردا



● یک سال از انتشار ماهنامه «دنیای قلم» می‌گذرد و عکس روی جلد شماره نهم آن به مراسم سالگرد انتشار این نشریه اختصاص دارد. پرونده این شماره دنیای قلم به موضوع «کار» اختصاص دارد و در بخش سیاست و جامعه، گزارش اصلی به انتشار جزئیاتی در مورد شهادت ۱۷۵ غواص اختصاص پیدا کرده است. در بخش فرهنگ و هنر، دنیای قلم بیشتر به مسئله سرمایه و رابطه‌اش با هنر می‌پردازد. در این بخش بهروز محمودبختیاری که از زبان‌شناسان بنام است، درباره سوءاستفاده اصحاب سرمایه از هنر سخن گفته شده و دکتر کوپال در مقاله‌ای به نسبت ادبیات و توسعه‌یافتگی پرداخته است.

